

محمود گبرلو در گفتو گو با مهران احمدی برنامه هفت

باید آینه را جمع کرد

نقش های متفاوت و بازی های خیره کننده مهران احمدی ، او را به بازیگری بدل کرده که هم از جایگاه مردمی برخوردار است و هم کارشناسان و متخصصان ، هنر بازیگری او را ستودند. با این حال به نظر مهران احمدی ، به کم تر از آنچه استحقاقش را دارد ، دست یافته است . او که به [شاگردی در مکتب بازیگری](#) معتقد است ، خاک صحنه را خورده و اگر از طریق تلویزیون یا سینما به شهرت و محبوبیتی دست یافته ، آن را به یک باره به دست نیاورده است و این چیزی است که برای خود او هم ، از ارزشی دو چندان برخوردار است.

شاید همراه شدن با حرف ها و دیدگاه های مهران احمدی ، همه علاقه مندان به بازیگری را به این نتیجه برساند که مسیر شهرت و دستیابی به موقعیت ممتاز یک بازیگری ، به این آسانی ها هم که تصور می شود نیست . بازیگری که هیچگاه خود را کامل نمی بیند و همواره در تقلائی دستیابی به کمال است ، اما به توان حرفه ای خود اعتقاد دارد و به همین دلیل ، هیچ گاه نگاه دم دستی و باری به هر جهت به بازیگری نداشته است.

بسیاری از کارشناسان به شما لقب خالق بازی های شگفت انگیز داده اند . این میزان توان در خلق شخصیت های متفاوت از کجا می آید ؟

من از توجه و تعریف شما و کارشناسان ممنونم اما به نظر من وقتی مهران احمدی هستم که وظیفه ام را به درستی انجام دادم . از نظر من بازیگر کسی است که توانایی ایفای چند نقش متفاوت قابل باور و قانع کننده را داشته باشد و به صرف گفتن دیالوگ یا خنداندن یا بروز احساسات دیگر در مخاطب ، نمی توان به مقام بازیگری رسید.

خیلی دوست دارم بدانم برای رسیدن به این نقش ها چگونه عمل می کنید . هر چند می دانم که تحصیل کرده اید و درس بازیگری خوانده اید ، تناثر کار کرده اید و ... اما طبیعتا در درون این نقش ها می توان ویژگی های بارزی را کشف کرد و علائمی را پیدا کرد ؟

بیست و چهار سال تجربه بازیگری و شاگرد حوزه مکتب بازیگری بودن ، خیلی چیزها رو به آدم اضافه می کند . در یک لحظه مهران احمد دیده می شد و از میانه های دهه هشتاد در سینما ظهور بروز پیدا می کند . شاید آنجا مردم با خود بگویند که او از کجا آمده و به بازیگر [فیلم های سینمایی](#) و سریال ها تبدیل شده؟ اما اگر بباییم و تاریخ را ورق بزنیم ، فعالیت هنری من به اواخر دهه شصت بر می گردد و در رسیدن من به موقعیت فعلی ، کار مداوم در تناثر ، کارگردانی کردن و عرق ریختن در حوزه تناثر ، مطالعه سینمایی ، فیلم دیدن ، دانشگاه رفتن و ... به علاوه استعداد نصف و نیمه ای که حتما خداوند در نهاد من گذاشته، و من سعی می کنم از آن درست استفاده کنم ، حتما تاثیر داشته است . ولی مطمئن هستم که هر نقشی را که قرار است من بازی کنم ، برایم تازگی دارد . مثل روز اولی که من وارد این عرصه شدم . یعنی هیچگاه فکر نمی کنم که کارم در این عرصه تمام شده است. این شاید یکی از رموزی است که در کار من وجود داد.

به شاگردی در مکتب بازیگری اشاره کردید . در کشور ما جایگاه و مفهوم این شاگردی چیست ؟

اگر جدی به بازیگری نگاه کنیم ، قطعا این جایگاه وجود دارد . اگر با این مقوله علمی برخورد شود، کار پرزحمتی است. همه آنهایی که در بازیگری ، استخوان ترکانند و عمر گذاشتند ، می دانند که بازیگری به همین واسطه ، یکی از سخت ترین کارهای دنیاست.

سفارش ساخت موزیک ویدیو

و به همین علت است که بعضی مواقع ، می گویند بازی یک بازیگر در یک فیلم ، در آمده یا گرفته و یا نگرفته ؟

بله بخشی از قضیه ای که شما به آن اشاره می کنید به علمی بودن بازیگری بر می گردد و بخشی دیگری ، به آنی مربوط می شود که باید در ذات بازیگر وجود داشته باشد . شما شاید بازیگران زیادی را ببینید که همه چیز در زمینه تکنیک بازیگری در آنها درست است ولی گویی یک چیز کم دارند و آن یک چیز ،

همان آن بازیگری است . به قول معروف بازیگری ، یک دروغ بزرگ است که ما قرار است به واقعی ترین شکل آن را بروز دهیم و یک نقش را به گونه ای ایفا کنیم که برای تماشاگری قابل باور باشد مثلا اگر قرار باشد من پدرم در یک فیلم مرده باشد ، خب این واقعیت بیرونی ندارد و یک دروغ محض است اما من نقشی را بازی می کنم که پدر او در داستان فیلم از دنیا رفته ، پس باید این دروغ را برای تماشاگر باورپذیرش کنم ، گویی این اتفاق برای خود من افتاده است .

این دروغ باید آنقدر واقعی برای خود شخص بازیگر بروز پیدا کند و آنقدر باورپذیر باشد که خودش به این دروغ ایمان بیاورد تا روی صحنه یا جلوی دوربین ، تماشاگر هم توی بازیگر و اتفاقی که برایت افتاده را ، باور کند.



به نظرم اطلاق خلق کردن بهتر از این است که بگوییم بازیگر یک دروغ را باور پذیر می کند ؟

بله ، حالا راجع به این موضوع می توان ساعت ها صحبت کرد . من می خواستم این نکته را بگویم که با رفتار می توان دروغ گفت اما طوری آن را بازی کرد که چشمان بازیگر دروغ نگوید.

و مهران احمدی چگونه در ذات خود ، این توانایی را پیدا کرد ؟ از چه زمانی آن را پیدا کرد ؟

اوایل دهه ۶۰ ، وقتی تلویزیون سریال سلطان و شبان را پخش می کرد ، من ده ، یازده سال بیشتر نداشتم . به آن سریال و بازی مهدی هاشمی عزیز علاقه بسیاری داشتم و بازی او را در جمع فامیل تقلید می کردم . این گذشت تا حضورم در نمایش های محله جدی شد و یک نمایش را با [عبدالرضا کاهانی](#) که با ما هم حمله ای بود در کوچه اجرا کردیم.

یعنی در شهر نیشابور ؟

بله ، انتهای یک کوچه بن بست در محله را به سن اجرای نمایش تبدیل کردیم، سپس با سریشم ، تراکت های دستی را شبانه روی دیوارها چسباندیم و قرار شد که فردای آن روز ، ساعت ده صبح نمایش را اجرا کنیم. فردا ساعت هشت صبح که بیدار شدیم، تمام خیابان ها و کوچه های شهر را برف گرفته بود و ما فرصت آن اجرا را از دست داده بودیم . می خواهم بگویم میل به اجرای تئاتر در همان سال ها در ما بود.

تا این که در دبیرستان ، این فرصت دست داد و من نمایش هایی را کارگردانی کردم که آقای کاهانی در آنها بازی کرد . بعد در سطح وسیع تر ، نمایش هایی را در اداره ارشاد نیشابور اجرا کردیم که موفق شد بعد از سال ها ، تئاتر نیشابور را از رکود در آورد . از آن گروه ، نام های زیادی به جامعه هنری معرفی شد . [حامد بهداد](#) از دوستان من بود که در کانون پرورش فکری با هم آشنا شدیم و افراد دیگر.

در اوائل دهه شصت که من هم فعالیت تئاتری داشتم ، گروه تئاتر نیشابور را یادم است و اصولا نیشابور به داشتن گروه های تئاتری خوب ، مشهور بود ؟

به هر حال شهر فرهنگ و هنر است و حضرت عطار و حضرت خیام جزو مشاهیر آن هستند.

پس آشنایی شما با آقای کاهانی و حضور مداوم در کارهای او ، به آن سال ها بر می گردد ؟

بله ، سال ها گذشت و در دانشگاه چندین نمایش را با هم کار کردیم تا زمانی که او کارگردان سینما شد.

شناخت کاهانی از شما در خلق شخصیت هایی که در فیلم هایی چون بیست و .. برای او ایفا کرده اید ، چه قدر تاثیر گذار بوده ؟

این شناخت قطعاً موثر بوده. کاهانی بازیگری را می شناسد و آدم بسیار باهوشی است . می توانم بگویم نیمی از این مرتبه و درجه ای که کاهانی به دست آورده ، به هوش وافرش مربوط است و چون خودش بازیگری را تجربه کرده و از سویی تحصیل کرده بازیگری بوده ، بازیگری را می فهمد و یکی از شاخصه های او این است که بازیگرانش را خوب هدایت می کند و فضا و اتمسفر درست و دقیق را به خاطر روابط درستش ، در فیلم هایش حاکم می کند و این فقط به شناخت او از بازی من و خود من محدود نمی شود . به همین دلیل است که در همه فیلم های او ، می توانید بازی های خوب و باورپذیری را از بازیگران مختلف ببینید.

همین طور است و برای خلق یک اثر ، در وهله اول فیلمنامه خوب ، بعد کارگردانی خوب و سپس بازی ها ، در کنار هم می تواند کیفیت آن اثر را بالا ببرد.

حتماً خوب بودن همه این موارد در کنار هم نتیجه می دهد و هیچ کس هم حق مصادره موفقیت یک اثر به نام خودش را ندارد.

یعنی بازیگر نمی تواند بگوید این من بودم که موجب موفقیت این فیلم شدم ؟

نه بازیگر ، نه کارگردان و نه تهیه کننده و دیگران ، سینما یک کار گروهی و جمعی است و چه خوب است که ما محترمانه در کنار هم کار گروهی انجام دهیم و هیچ ادعایی هم نداشته باشیم . البته متأسفانه

نوعی اپیدمی توهم زاید الوصفی هم در کار ما وجود دارد که در خفا یا آشکارا ، بعضی ها تصور می کنند فقط خوشان محور هستند.

این به چه چیزی بستگی دارد ؟ به روحیه آدم ها ، به شخصیت شان ، به اخلاقشان یا ...؟

نمی دانم . فقط این را می دانم که برای مقابله با این توهم ، بهتر است آینه ها را از خانه ها جمع آوری کرد ، چون بعضی از افراد ، وقتی خودشان را داخل آینه نگاه می کنند ، احساس می کنند فقط خودشان هستند که همه کارها را انجام می دهند.

هنرمندان که با آینه زیاد سر و کار دارند ؟

بله ، اما به نظرم بعضی جاها خوب نیست که با آینه طرف شویم . به نظرم باید آینه ها را جمع کرد.

احساس می کنم سخن ناگفته دارید و آن را پنهان می کنید ؟

سخن ناگفته که زیاد است . قطعا در هر کار و حرفه ای ، مناسباتی وجود دارد که آن مناسبات باید محترمانه ، منصفانه ، درست و دقیق شکل بگیرد و نه به صورت تک بعدی یا یک سویه ، بارها درباره خودم این اتفاق افتاده که برای ایفای یک نقش ، زحمت زیادی کشیدم ولی بعد دیدم که زحمات من به نام فرد دیگری مصادره شده . من به گروهی بودن کار سینما و اصولا کار هنر معتقدم اما معنای این رفتار ، نادیده انگاری زحمت یک بازیگر است.

آیا این نکته درباره همه بازیگران صدق می کند ؟

من درباره استقلال بازیگر می گویم . این نگاه ، خود زائیده یک تفکر مستقل است . ما همیشه در مورد سینمای مستقل حرف می زنیم اما هیچکس در مورد بازیگر مستقل حرفی نزده ، من معقدم که مخصوصا در سینمای ایران ، تعداد معدودی بازیگر مستقل هم وجود دارد.

منظورتان بازیگر مولف است یا بازیگری که در رویکرد خود به فعالیت بازیگری ، استقلال داشته باشد ؟

نه ، بازیگر مستقل ، بازیگر مولف که بماند ! بازیگر مستقل ، بازیگری است که جزو هیچ گروه و حزب و دار و دسته ای نیست و اندیشه خودش را دنبال می کند.

ارتباط عضو دارودسته بودن با بازیگری در چیست ؟

قطعاً می تواند ارتباط داشته باشد...

می توانید بیشتر توضیح دهید ؟

راستش من می ترسم که از حرف من سوءتعبیر شود . گاهی اوقات سکوت خیلی بهتر است.

بر عکس من فکر می کنم اگر توضیح بدهید ، جلوی سوءتعبیر را می گیرد ؟

می توانم اینگونه وارد این بحث شوم که من مهران احمدی ، از یک روز شروع به تمرین و ممارست کردم برای اینکه بازیگر شوم . همه کار هم در این عرصه انجام داد . در واقع از یک جا به بعد ، احساس کردم که باید برخی کارهایی را که دوستشان نداشتم ، نپذیرم . کارهایی را که فقط به دلیل بحث معاش باید می پذیرفتم . حتی تن دادم به رانندگی در آژانس و در شرایطی که مردم من را به عنوان یک بازیگر به جا می آوردند ، این راه را انتخاب کردم و با خودم گفتم که دیگر ، در هر کاری بازی نمی کنم و هر پیشنهادی را نمی پذیرم ، حتی اگر به این قیمت تمام شود که دیگر بازی نکنم.



خیلی آرمانی فکر می کردید ؟

بله ، رفتم و در شغل های متعددی فعالیت کردم . این جزو افتخارات من است به خاطر اینکه تصمیم خودم را گرفته بودم و می خواستم به بازیگری تبدیل شوم که خودم ، از کار خودم لذت ببرم . تا آن لحظه هم که اتفاق بعدی افتاد و بار دیگر جلوی دوربین رفتم ، به راه مستقل خودم ادامه دادم. در همه این سال ها ، به جز خداوند هیچ پارتی و پشت و پناهی هم نداشتم.

این ها نکات خوبی است برای جوان هایی که علاقه مند به بازیگری هستند و احساس می کنند که می توان اینگونه وارد سینما شد؟

بله و واقعا اینگونه نیست ، یعنی سینما چای پارتی بازی ، پول دادن و نقش خریدن نیست . اصلا اینگونه نیست . کسی که جلوی شما نشسته ، نمونه از خیل بازیگرانی است که با زحمت و مشقت و تحصیلات به اینجا رسیده اند . به هر کجایی که هست. شاید خودم از این جایگاه راضی نباشم. اما مهم این است که با زحمت به اینجا رسیده ام و حالا هدفم این باشد که سریع تر ، پله ها پشت سر بگذارم.

پله هایی که تمام شدنی هم نیستند ؟

بله و باید همیشه در تلاش بود . این را هم بگویم که هیچگاه ، برای این که نقشی را بازی کنم ، منت هیچ بنی بشری را نکشیدم . عبدالرضا کاهانی ، رفیق من است که خاطرات گذشته را با همدیگر مرور می کنیم ، اما خدای بالای سر من شاهد است که وقتی او می خواست فیلمی را شروع کند ، تنهائش می گذاشتم و می رفتم تا خودش ، اگر می دید به درد فیلمش می خورم ، مرا صدا کند و صدایم می کرد.

خودتان هم شاهدید و به زعم همه دوستان هنرمند و منتقد ، که من در فیلم هایی که با کاهانی کار کردم ، همیشه حرف هایی رای گفتن داشتم . اما در هیچ کار دیگری هم نبوده که بخوادم خدای ناکرده ، مجیز کسی را بگویم یا اینکه تعارفی با کسی داشته باشم . هر جا بودم و هر نقشی را پذیرفتم و آن را بازی کردم ، حتما لازم بوده که باشم.

پیروزی از این ذهنیت ، برای شما محدودیت به همراه نداشت ؟

طبیعی است که این نگاه ، با ضرر هایی همراه است . مهم ترینش این است که تو تنهایی ! تنهای تنها . دچار اندیشه ای هستی و آن اندیشه را دنبال می کنی و با همان اندیشه ، نقش هایی را برای بازی در سینما انتخاب می کنی . هیچگاه به خاطر پول ، به نقش هایی که اصلا قبولشان نداری ، تن نمی دهی . عضو هیچ گروه و دار و دسته ای نیستی . این وابستگی ها هست آقای گبرلو . من اگر بگویم نیست ، دروغ گفته ام.

حرف و حدیث در این زمینه زیاد هست اما واقعا باندبازی در بازیگری وجود دارد ؟

بله ، باند و باندبازی هست . باندی که از یکسری بازیگر در سطح وسیع وجود دارد . به زعم خودشان فقط آنها لایق هستند و فقط آن ها باید کار کنند . اشکالی هم ندارد ، چار که در یک سیر طبیعی ، بعد از مدتی ما می بینیم که هرکس سر جای خودش می ایستد ولی رویارویی با این وضعیت سخت است . شاید هم این ماجرا فقط به ایران ختم نشود و در [سینمای دنیا](#) هم وجود داشته باشد اما من در سینمای ایران فعالیت می

کنم . در حال مقاومت هستم . بهتر است وارد جزئیات بیشتر نشوم و بگذارم برخی مسائل این خانواده ، سر بسته بماند این را هم بگویم که آنقدر آدم پاک و درست در همین سینما وجود دارد که می توان به تک تک شان قسم خورد . از بدترین ها تا بهترین ها در این سینما فعال اند و من سعی می کنم همیشه با بهترین ها کار کنم.

این نگاه خیلی خوب است . واقعیت این است که با وجود همه مسائلی که بر شمردید ، این بازی خوب است که در اذهان می ماند و خاطره انگیز می شود . یعنی معیار کیفیت و ماندگاری یک هنرمند ، مردم ، منتقدان و صاحب نظران هستند و آنها می توانند تشخیص بدهند که بازی یک بازیگر چه قدر از دل و دانش او بیرون آمده و او تا چه حد سرشار از شوق و استعداد بوده و یا نوبده یکی از کارهای اخیر شما که به مناسبت اکران آن به هفت آمده اید ، شیار ۱۴۳ است .

با توجه به میزان سخت پسندی شما ، چه چیزی در فیلمنامه این فیلم نظر شما را جلب کرد ؟

وقتی من را به همکاری در این فیلم دعوت کردند و فیلمنامه را خواندم ، کاملاً می دانستم که این یک فیلم زنانه است و شخصیت سید علی ، جزو معدود مردان قصه است . راستش من از صداقتی که در فیلمنامه بود ، خوشم آمد . به صراحت می گویم که در وهله اول ، تصور کردم این فیلمنامه ای سفارشی است و اولین سوال من در این زمینه بود . وقتی با تهیه کنندگان و خانم آبیاری صحبت کردم ، تصورم به هم ریخت و فهمیدم که این فیلمنامه بر اساس یکی از قصه های خانم آبیاری نوشته شده و از آنجا بود که به حسی بودن و از دل برآمدن کار پی بردم و بازی در فیلم را پذیرفتم. واقعا قبل از آن خدا خدا می کردم که فیلم سفارشی نباشد.

چرا اینقدر با این قضیه مشکل دارید ؟

من حذر دارم از بازی در یک فیلم یا کار نمایشی سفارشی

اگر یک اثر متن خوبی داشته باشد و بتواند به یک فیلم خوب تبدیل شود ، سفارشی و غیر سفارشی بودنش چه اهمیت

دارد ؟

به نظر من ، یک فیلمنامه سفارشی ، هیچوقت به یک فیلم خوب تبدیل نمی شود لاف من کاری را ندیده ام که سفارش داده شده باشد و به اثر خوب و ماندگاری بدل شده باشد.

مگر آن که از فیلتر ذهن و قلب سازنده اش گذشته باشد ؟

معمولا اینگونه نیست . یک اثر هنری باید از دل و شعور و ذوق خالقش آمده باشد و نه از سفارش بیرونی . مخصوصا در اینگونه کارها . شما وقتی از جنگ و دفاع مقدس و یک ایدئولوژی می خواهی حرف بزنی ، باید حرف دلت را بزنی . نمی توانی باسماه ای عمل کنی ، حتی اگر مخالف داشته باشی ! آن زمان است که دوست و دشمن ، کارت را دوست دارند و تایید می کنند.

به همین دلیل هم فیلم توانست با مردم ارتباط برقرار کند؟

بله و اصولا فکر می کنم راز موفقیت این فیلم همین است . یعنی بدون استفاده از عناصر معمول جذب مخاطب مردم را جذب سالن های سینما کرده و این به دلیل همان ارتباط دلی با مخاطب است . فقط وقتی این اتفاق می افتد که ما با مردم صادقانه برخورد کنیم . یعنی همان تعریفی که در [بازیگری](#) هم وجود دارد . اگر بازیگر راست بگوید و بازی اش از دل جامعه و روابط واقعی بیاید ، مردم را پس نمی زند . لحظه ای مخاطب از بازی یک بازیگر پس می زند که بازیگر ، به او دروغ بگوید . اما اگر صداقت داشته باشیم ، هنر ما زاینده یک عنصر شگفت انگیز خواهد بود که آن واقعیت محض است.

اگر خواهیم هنرمند باشیم و هنرمند بمانیم . باید راست بگوییم و تا وقتی اینگونه باشیم ، مردم هم ما و هم کار ما را دوست دارند . من دوبار با مردم این فیلم را دیدم و احساس می کنم که فیلم تاثیر خودش را بر مردم گذاشته است آنها حتی با ریتم کند بخش هایی از فیلم که به ذات فیلم بر می گردد و بحث انتظار بر می گردد ، ارتباط برقرار می کنند . در یکی از دوباری که فیلم را با مردم دیدم ، خانواده شهدا و ۱۴۳ مادر شهید بیننده آن بودند و آنها با شور و حرارتی خاص ، با فیلم و قصه آن ارتباط برقرار کردند.

و در آوردن این فضا با توجه به صحبت های شما کار ساده ای نیست . این در حالی است که برخی معتقدند که فیلمساز صرفا یک تکنسین است و بر اساس یک قاعده تکنیکی تعریف شده ، یک اثر را

خلق می کند پس خیلی نیاز نیست که تو با هر اثر هنری ارتباط دلی برقرار کنی ! تصویری که متضاد با صحبت شماست و شاید در هالیوود هم این اتفاق رخ دهد .

یعنی آنها بگویند که ما تکنسین سینما هستیم ، سعی می کنیم فیلمنامه را درست بنویسیم ، قهرمان و ضدقهرمان و گره های داستان را درست طراحی کنیم و آنگاه ، تماشاگر خود گره خود با اثر ارتباط برقرار خواهد کرد ؟

بله البته آن هم یک شیوه فیلمسازی است که من خیلی به آن قائل نیستم . اگر آن شیوه حقیقی باشد ، پس خلاقیت کجا می رود ، ذات هنر ، به نو به نو شدن است که جذاب و اثر گذار است . اگر قرار باشد ما مهندسی وار و خشک در مورد بازیگری یا کارگردانی بحث کنیم ، مجالی برای سخن درباره خلاقیت در اثر هنری وجود نخواهد داشت . ما بسیاری از چیزها را با خود آگاهمان درک می کنیم و وقتی جلوی دوربین می رویم ، اتفاقی در ناخودآگاه ما رخ می دهد و این هدیه های خداوندی است که برای یک کارگردان یا بازیگر ، سبب می شود که او به نقطه اوج برسد.

پیش تر لهجه ها و گویش های مختلف ، از مازندرانی و لری و همدانی و نیشابوری تا ترکی استانبولی و ... را در فیلم های مختلف از شما شنیده ایم.

از ادای لهجه کرانی در شیار ۱۴۳ بگویید.

رسیدن به لهجه ، محصول ۲۰ روز تا یک ماه تمرین با آقای شادمانی بود که خیلی به من کمک کرد . اما ذات لهجه مربوط می شود به این که من بازیگر بتوانم در محیط قرار بگیرم تا هم لهجه و هم فرهنگ و آداب و رسوم بومی را دریابم . در واقع لهجه ، مرحله آخر این فرآیند است.

یعنی تنها نمی توان با کمک یک مشاور لهجه به جایی رسید و بازیگر باید به درون مردم برود . یعنی به نظر شما ، آشنایی با فرهنگ بومی ، خیلی مهم تر از ادای یک لهجه است ؟

قطعا ، من مدت ها قبل از شروع کارم در این فیلم ، در کرمان حضور داشتم و با کارگران مس سرچشمه می نشستم ، بلند می شدم ، ناهار می خوردم و زندگی می کردم . من در کارهای دیگر هم اینگونه عمل می کردم . مثلا ۱۵ روز قبل از شروع پایتخت دو ، در شیرگاه لباس های سریال را پوشیدم و به میان مردم رفتم . یا در فیلم آدم که نیشابوری حرف می زد ، اینگونه عمل کردم . باید در میان مردم بود و با

آنها راه رفت . با ماثین شناسی بلند ، نمی شود یک نقش را پیدا کرد . اگر اینگونه باشد ، کار من به یک تقلید صرف می ماند . همان اجرای باسمه ای یا اجرای مهندسی وار و بی روح.

پس ریشه ایفای باورپذیر نقش ها توسط شما ، به همین تلاش برای شناخت آدم ها بر می گردد . حال چه سریال آوای باران و نقش شکیب باشد و چه فیلمی مثل سیزده ۵۹ و ... ؟

بله ، در سیزده ۵۹ ، من به واسطه یکی از اقوام دینی ، مدتی به آسایشگاه صدر رفتم و با جانبازهای عزیزمون نشست و برخاست داشتم . در بازیگری ، مشاهده برای من در اولویت قرار دارد تا کنون هیچ نقشی را بدون شناخت ، ایفا نکرده ام . حتی اگر نقش من ، کلاژ چند شخصیت باشد.



از فیلم های متفاوت شما می توان به فیلم هیچ و آلازایمر اشاره کرد که مردم همه آنها را دوست دارند ؟

بله ، خودم هم هیچ را خیلی دوست دارم و به نظرم بهترین فیلم عبدالرضا کاهانی است . آلازایمر هم به نظرم کار با ارزشی بود که هنگام ساختنش ، با آقای معتمدی بحث و تحلیل زیادی سر چگونگی در آمدن این نقش داشتیم . در این فیلم برای دومین بار افتخار همکاری با مهدی هاشمی را داشم که فعالیت در کنار او برای هر بازیگری یک کلاس درس است . در واقع هرگاه که با آقای هاشمی پارتنر می شوم ، احساس می کنم که از او بسیار می آموزم.

من اگر بتوانم راه گذشتگان را از مرحوم فنی زاده تا مرحوم شکیبایی ، از آقای انتظامی و هاشمی و پرستویی ، به درستی درک کنم و بتوانم حرمت جایگاه بازیگری را در یابم و آن را برای نسل بعد و بعدتر حفظ کنم ، کار مهمی انجام داده ام . همیشه این نکته را به یاد دارم که بدون اینکه بخواهم شعار بدهم ، به بزرگترم احترام بگذارم تا بزرگ شوم.

عکاسی سمینار ، همایش و کنگره

به همین فهرست که نگاه می کنم ، در فیلم های مختلفی ایفای نقش مکل را عهده دار بوده اید . این برای بازیگری در سطح شما ، ناراحت کننده نیست ؟

هرگز و تصور می کنم تاثیر نقش مهم تر از طول نقش است و این شاخصه است که برای من ، نقش را عمیق می کند . من نقش هایم را کیلیویی انتخاب نمی کنم و همه چیز را بر اساس متری که عمق نقش را می سنجد ، در نظر می گیرم . یادم است که در سریال پایتخت ، یک بار به محسن تنابنده گفتم که اگر در حد یک قسمت ، نقش موثری دارم ، هستم اما اگر قرار است فقط حضور داشته باشم ، دوست ندارم در این سریال بازی کنم.

تعداد بالای نقش مکمل در کارنامه شما ارتباطی با آن باند و باندبازی که گفتید ، ندارد ؟

نه ، این قضیه به آن ماجرا ارتباط ندارد . من به شکلی بازی می کنم و نقش هایم را انتخاب می کنم که چاره ای جز انتخاب من نداشته باشند!

در بخش اول گفت و گو ، گلایه هایی از وضعیت حاکم بر سینمای ما داشتید. اوضاع کلی امروز سینما را با یک نگاه تحلیلی تر ، چگونه ارزیابی می کنید؟

من معتقدم هنوز هم باید امیدوار بود چرا که با امید ، می شود همه چیز را ساخت . هنوز امیدوارم که سینما از تحت لوای دولتی بودن بیرون بیاید . هنوز امیدوارم که اندیشه های مستقل در سینمای ایران روز به روز بیشتر رشد کند . ما چاره ای نداریم برای این که یک سینمای درست ، پویا ، دقیق و درجه یک داشته باشیم ، به سینمای مستقل بها بدهیم اگر می خواهیم از این سینما حمایت کنیم و به آن بودجه بدهیم ، به سینماگر نگوییم چه بساز و چه نساز ! ما باید بابت اندیشه فیلمساز ، به او پول بدهیم . خیلی ها به شیار ۱۴۳ انگ دولتی بودن و سفارشی بودن را زدند اما من شاهد بودم که آقایان تهیه کننده ، برای این فیلم خانه شان را فروختند و رفتند مستاجر شدند تا بتوانند دستمزد تک تک بچه های گروه را به آنها بدهند . اگر رویکرد حمایتی با این تعریف وجود داشته باشد ، اتفاق های خوبی در سینمای ما می افتد.

به عقیده من نمی شود حمایت دولتی را به کل رد کرد . اگر سیستم دولتی سینما را بفهمد ، درک کند ، قدرت سینما را بشناسد و از آن سو به هنرمند اجازه دهد که خودش به آن درک و باور لازم برای خلق اثر برسد و فیلم خودش را بسازد ، چرا این حمایت صورت نگیرد . از آن سو ، سینماگر هم باید به این شناخت و فهم برسد تا حمایت ، نتیجه بدهد.

بله و هنرمند اگر درک و فهم نداشته باشد که هنرمند نیست . این شرط اول رسیدن به این جایگاه است و گر نه بدون دستیابی به این شاخه مهم ، نمی توان اسم سینماگر یا هنرمند روی هر فردی گذاشت.